



غالب شناسی در پاکستان

پرفسور تحسین فراقی / زیاد کاووسی نژاد

پس از دریافت نوشتاری با موضوع «غالب شناسی در پاکستان» لازم آمد تا مختصری درباره زندگی غالب دهلوی و معرفی آثار وی نوشته شود. لذا ابتدا این بخش که از طریق کیهان فرهنگی آماده شد، به عنوان مقدمه می آید و آن گاه اصل مقاله غالب شناسی.

غالب شناسی

میرزا اسدالله خان نجم الدوله دبیرالملک متخلص به «غالب دهلوی» (غالب ابن عبدالله بیگ خان) پنج ساله بود که پدر در منازعات داخلی هند جان باخت. سرپرستی غالب را عمش، میرزا نصرالله بیگ خان به عهده داشت. میرزا نصرالله در ۹ سالگی درگذشت. عم غالب صوبه دار آگره بود. غالب در دهلی به سال ۱۲۱۲ هجری قمری روز چهارشنبه ۸ رجب (برابر با ۲۷ دسامبر سال ۱۷۹۶ م متولد) شد. عزت النساء بیگم مادر غالب در آگره با عبدالله بیگ خان ازدواج کرد. اجدادش تورانی اند و از ترکان ایبک. وی بدین نژاد دو نسب فخر می کند.

غالب از خاک پاک تورانیم

لاجرم در نسب فرهنگیم

ترک زادیم و در نژاد همی

به سترگان قوم پیوندم

ایکیم از جماعه اتراک

در تمامی زماه ده چندیم

فن آبی ما کشاورزیست

مرزبان زاده سمرقندیم

وی میراث خواه جم و آدم ابوالبشر است؛
ساقی چو من پشنگی و افراسیابی ام
دانی که اصل گوهرم از دوده جم است
میراث جم که می بود اینک به من سپار
زین پس رسد بهشت که میراث آدم است

غالب از ۹ سالگی مستمری به گیر شد. پادشاه دهلی برای وی ماهیانه معادل ۵۰ روپیه مقرر تعیین کرد. پس از اختیار همسر در ۱۳ سالگی، پدر ۷ فرزند شد که همه در کودکی درگذشتند. سرانجام «عارف» نامی را که کودکی بیش نبود به فرزندخواندگی برگزید. در وصف عارف سروده است:

آن پسندیده خوی عارف نام

که رخش شمع دودمان من است

آن نشاط نگارش نامش

خامه رفاص در بنان من است

آن که در بزم قرب و خلوت اش

غمگسار مزاجدان من است

زور یازوی کامرانی من

راحت روح ناتوان من است

وی نیز که طبع شعر داشت، زود غالب را در حسرت به بار و برگ نشستن

خویش نشاند و جان شاعر را در آتش فراق کباب کرد.

غالب زود و هنوز نوجوان بود و در کار تحصیل که لب به زمزمه شعر هایش

باز کرده در این فن نیز به اشتهار رسید. به همین سبب پادشاهانی از نواحی مختلف هند برای وی مقرری منظور داشتند.

خانه‌اش در آگره، مکتب‌اش بود. به زبان فارسی و زبان اردو احاطه داشت. بعد به دهلی کوچ کرد و ماندگار شد.

غالب از بزرگترین شاعران زبان اردو است و از وی به عنوان اولین سراینده اشعاری با مضامین عرفانی و فلسفی به این زبان یاد می‌کنند. بدین ترتیب شعر اردو را در مسیر تازه‌ای هدایت می‌کند.

یاظرفیتی که غالب به شعر اردو بخشید و جایگاه رفیعی که برای خویش نزد اردو زبان فراهم آورد، اما به زبان فارسی علاقه وافری دارد و به اشعار فارسی‌اش می‌نازد.

فارسی بین تا پیشی نقش‌های رنگ رنگ بگذر از مجموعه اردو که بیرنگ منست

غالب از گروندگان به سبک هندی (اصفهانی) است. میرزا اسدالله در هند به «لسان‌الغیب» اشتهار دارد و «رندهند» عنوانی است که خود را به آن می‌خواند:

هند را رند سخن پیشه گمنامی هست

وندین دیر کهن میکند آشامی هست

میرزا اسدالله غالب دهلوی علاوه بر شاعری، نویسنده و متبع در اندیشه اسلامی است. وی خود را چنین معرفی می‌کند:

همچو من شاعر و صوفی و نجومی و حکیم

نیست در دهر، قلم مدعی و نکته گو است

این «رندهند» ایران ندیده یا به عبارت خویش «عتدلیب گلستان عجم» در حسرت دیدار ایران می‌سوزد:

بود غالب عتدلیبی از گلستان عجم

من ز غفلت طوطی هندوستان نامیدمش

و آرزو مند است در اصفهان زندگی کند و در نجف روانه سفر آخرت شود:

غالب از هندوستان بگریز فرصت مفت‌توست

در نجف مردن خوش است و در صفاهان زیستن

سراجام در ۲۳ سالگی این شاعر شیعی بزرگ یعنی در دوم ذی‌قعدة سال ۱۲۸۵ هجری قمری (برابر با پانزدهم فروردیه سال ۱۸۶۹ م) چشم از جهان بر بست غالب دهلوی را در اردو آثاری است از جمله: دیوان اردو، قادرنامه، بیاض غالب، عود هندی، اردوی معلی، نادات، نکات، مکاتیب، نادر خطوط و انتخاب غالب.

آثار فارسی «عتدلیب گلستان عجم» چنین است:

کلیات نظم فارسی با عنوان میخانه آرزو (قصاید، غزلیات، مثنوی‌ها)، سیدچین (شامل قصیده، قطعه، غزل و رباعی)، باغ دو در (نظم و نثر)، دعای صباح (ترجمه منظوم دعای صباح در قالب مثنوی با ۱۲۰ بیت)، رساله فن بانگ، پنج آهنگ (شامل نثرهای اوست در پنج بخش که هر بخش را آهنگ نامیده است، به ترتیب در باره القاب و آداب، دستور زبان فارسی و لغات و اصطلاحات، منتخب اشعاری که به کارنامه نگاران آید، خلاصه دیباچه آثار و خطبه و بعضی مطالب دیگر، حاوی مکاتبات وی است با دوستان)، مهر نیمروز (اثر مشهور تاریخی است از آغاز آفرینش تا زمان بهادر شاه)، دستبوی (شامل دیده‌ها و شنیده‌های غالب است در مبارزات مسلمانان هند علیه استعمارگران انگلیس، لذا از ارزش تاریخی برخوردار است).

از آثار دیگر غالب دهلوی کتابی است مقابل «برهان قاطع» که بدان نام «قاطع برهان» داده است. این اثر مخالفان و موافقان نویسنده «برهان قاطع» و «قاطع برهان» را رویاروی قرار داده و تنازعات و کتاب‌هایی را پدید آورده است.

«درفش کاریانی» نیز در راستای «قاطع برهان» است با افزایش کلامی چند کیهان فرهنگی در تهیه مقدمه از چند منبع و بیشتر از «سومنات خیال» قصیده‌های فارسی غالب دهلوی، کار دکتر محمدحسن حائری بهره گرفته است.

نوشته مختصر اعظم الدوله سرور «اسدالله خان اسد» را به عنوان اولین نوشته در مورد غالب اگر در نظر بگیریم، از آن زمان تا به امروز قدمت جریان غالب‌شناسی به ۱۸۶ سال می‌رسد، زیرا نوشته سرور در سال ۱۸۲۱ میلادی یا کمی پیش از آن به رشته تحریر درآمده است. طی این ۱۸۶ سال، تعداد نسخه‌های جدید آثار غالب و نیز مقالات تحقیقی درباره آنها به بیش از هزار نسخه می‌رسد. مقالات متفرقه مضاف بر اینها هستند. جهت توضیحات بیشتر می‌توان به کتاب دکتر انصارالله، با عنوان «کتاب‌شناسی غالب» چاپ ۱۹۹۸ میلادی که جدیدترین چاپ تاکنون است، مراجعه کرد. با مطالعه این کتاب درمی‌یابیم که مقام غالب چقدر والا است و گستره مقبولیت وی تا چه اندازه وسعت

دارد. حقیقت این است که شاعر بزرگ، مرزهای زمانی و مکانی را می‌شکافد و پرچم خیال خویش را به اهتزاز درمی‌آورد. چنین شاعری تبدیل به ملاکی می‌شود که نه تنها معیار سرمایه ادبی حال و آینده است، بلکه زمان پیش از خود را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. اقبال ضمن عرض از ادت نسبت به غالب، خطا نگفته است که:

نطق کوی سوزنازین تیری لب اعجاز پر (۱)

حقیقت این است که این نطق، شکرگزار فیض خداوندگار است. خود غالب نیز چنین گفته:

آتی بین غیب سی مضامین خیال مین غالب صریر خامه‌نوای سروش (۲)

و همین مطلب را به زبانی دیگر به فارسی نیز گفته است:

رشح کف جم می‌چکد از مغز سفالم

سیرایی نظم اثر فیض حکیم است

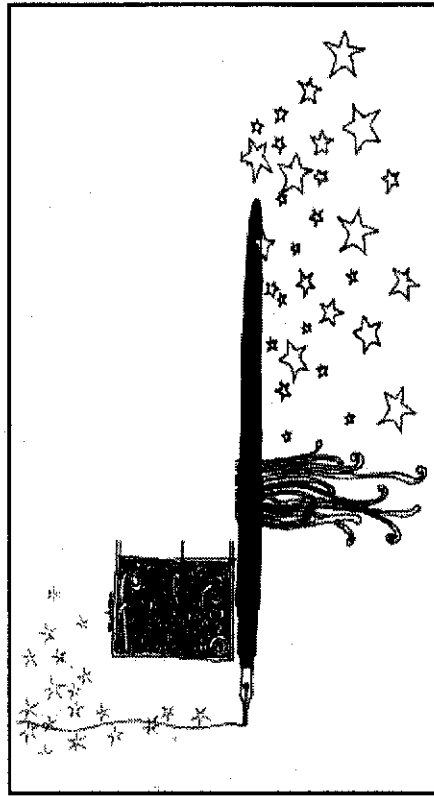
اولین کتاب بی‌مانند و برجسته در مورد غالب «یادگار غالب» حالی بود که در سال ۱۸۹۷ میلادی منتشر شد. از آن پس جریان بی‌وقفه کتاب‌ها و مقالات متعدد در مورد غالب تا به امروز ادامه داشته است.

بررسی غالب‌شناسی در پاکستان موضوعی بسیار گسترده است. در واقع بررسی این موضوع کتابی قطوری طلبد و گنجاندن آن در مقاله‌ای مختصر تنها در صورتی ممکن است که به ذکر انتقادی مختصری از چندین موضوع محوری و نکات قابل توجه غالب‌شناسی بسنده گردد و در پایان پیشنهاداتی در باب غالب‌شناسی ارائه شود و بس:

که چل چلاو پیے اور مختصر بی ممکن ہے (۳) مقالات و کتاب های ارایه شده در مورد غالب در پاکستان را در اصل باید ادامه روند غالب شناسی در شبه قاره هند دانست، چرا که چندین غالب شناس ممتاز پاکستانی وجود دارند که سال ها پیش از تاسیس پاکستان شروع به خلق آثاری درباره غالب کرده بودند. در میان این غالب شناسان نامور، ش. م. اکرام، غلام رسول مهر و پرفسور حمید احمد خان قابل ذکرند. اینان غالب شناسانی اند که یک نسل تمام از غالب شناسان بعدی را تحت تاثیر قرار داده اند و به مدد آنها راههای متعددی در زمینه های تنقید، تدوین و شرح احوال غالب پاز شد. در میان منتقدین، محققین و شرح حال نویسان غالب شناس بعدی، خلیفه عبدالحکیم، شوکت سبزواری، آفتاب احمد خان، صوفی غلام مصطفی تبسم، سید قدرت نقوی، پرفسور احمد علی، یوسف سلیم چشتی، سید عبدالله، وحید قریشی، سلیم احمد، ممتاز حسین، وزیر آغا، مولانا حامد علی خان، خلیل الرحمن داوودی، مشفق خواجه، فرمان فتح پوری، جیلانی کامران، پرتو روهیله و در دوره های بعد، ملک حسن اختر، نذیر احمد، انیس ناگی و ... قابل توجه هستند.

در میان این افراد، برخی شخصیت و حوادث زندگی و فکر و هنر غالب را موضوع تحقیق خویش قرار دادند. در این رابطه نام ش. م. اکرام بدین جهت مهم است که بی واهمه به بررسی شخصیت غالب پرداخته و اشارات بلیغی در مورد روان شناسی غالب داشته است، همچنین وی اشعار غالب را بر اساس تاریخ، مرتب کرد و بعدها کالی داس گپتا رضا به شیوه ای موثرتر و علمی تر این کار را به انجام رساند. برخی نظریات ش. م. اکرام را نمی توان پذیرفت، مثلاً این گفته او که از بعضی اشعار میرزا غالب مشخص است که وی به روز جزا و عذاب و پاداش جسمانی اعتقاد نداشت، در اصل نشانگر مطالعه ناقص درباره غالب است. اگر تمام آثار غالب و آثار نظم و نثر فارسی وی مثل «مهر نیمروز» و مثنوی «ابر گهر بار» به دقت مورد بررسی قرار می گرفت، از این گونه اظهارات در امان می ماند.

آقای مهر بدون هیچ گونه خستگی در مورد غالب به نگارش می پرداخت. او قبل از استقلال پاکستان با تیزبینی تمام، شرح زندگانی غالب را بر اساس یادداشت های نظم و نثر وی تدوین کرد. بعد از آن با توجه به موقعیت قرن غالب، نامه های اردوی او را جمع آوری و در مورد فکر و هنرش مقالات انتقادی مهمی نوشت. صحت متن نامه های جمع آوری شده وی را نمی توان تایید کرد. در این زمینه دکتر خلیق انجم کار بسیار دقیق و ارزشمندی



□ فضای موجود بین گفت و گوی تمدن ها متقاضی این امر است که نقطه اتصالی بین فنون شعری شرق و غرب به وجود آید و بابه وجود آمدن مقیاس های ترکیبی جدید، شاعرانی چون غالب و سایر شعرای بزرگ شناخته شوند.

انجام داده که حاصل آن در پنج جلد در هندوستان و پاکستان انتشار یافته است.

«مرقع غالب» حمید احمدخان گرچه چند سالی است که منتشر شده، اما بیشتر مطالب آن کم و بیش ۶۳-۶۵ سال پیش در مجلات گوناگون به چاپ رسیده بود. از نظر ارزش مطالب، این کتاب را می توان کتابی مهم در زمینه غالب شناسی به شمار آورد. غالب، اولین عشق حمید احمدخان بود. عشقی که وی را آواره شهرها کرد. همین عشق، او را به دهلی، بوپال، لکهنو و کلکته کشانید و در نتیجه این سفرها، مطالب باارزشی در مورد حوادث زندگی غالب به دست آمد. در این کتاب، حمید

احمدخان نه تنها در مورد شخصیت و حوادث زندگی غالب سند مهمی فراهم کرده، بلکه تجزیه های لطیف و عمیق خود را نیز وارد ساخته که بسیار قابل توجه است. مقاله ایشان تحت عنوان «حسن و عشق در شعر غالب» اگرچه ۵۷ سال پیش انتشار یافته است، اما به لحاظ موضوع تا به امروز به عنوان تجزیه ای تازه و نادر شناخته می شود. همچنین مقاله «غالب و بیدل» نشانه شعور انتقادی فوق العاده است. یکی از نکات مثبت «مرقع غالب»، نگارش تازه و بدیع نویسنده است. چنین نثر علمی روشن، پاکیزه و ساده که در تار و پود آن گرمی احساس، وسعت نظر، صحت ذوق و کنایه با هم یکی شده باشند، در ادبیات ما به ندرت دیده می شود.

در میان غالب شناسان بعدی پاکستان، خلیفه عبدالحکیم، به عنوان شارح بزرگ غالب قابل توجه است. عجیب است که نقادان غالب عموماً به این مساله توجهی نداشته اند. آفتاب احمدخان مقالات تحلیلی معرکه آراییی تحت عنوان «شعر عاشقانه غالب» و «غم غالب» به نگارش درآورد.

برخی مطالب کتاب وی با عنوان «غالب آشفته نوا» در مورد غالب بسیار مفید و روشنگر است. «فلسفه کلام غالب» اثر شوکت سبزواری، «غالب، یک مطالعه» اثر ممتاز حسین، «اطراف غالب» اثر سیدعبدالله، «غالب کیست»، «غالب آگهی»، «نسخه شیرانی و مقالات دیگر»، «گل رعنا همراه با آشتی نامه غالب» و «غالب صدرنگ» از سید قدرت نقوی، «مجموعه نثر غالب» و «یادگار غالب» (گردآوری) اثر خلیل الرحمن داوودی و مقالات تحقیقی متعدد وی که هنوز مدون نشده اند، «شرح غزلیات غالب» (فارسی) از صوفی غلام مصطفی تبسم، «شرح دیوان غالب» اثر یوسف سلیم چشتی، «نذر غالب» اثر وحید قریشی، «دیوان غالب» گردآوری شده مولانا حامد علی خان، «غالب و صفیر بلگرامی» اثر مشفق خواجه، «غالب کیست» اثر سلیم احمد، «غالب، شاعر امروز و فردا» اثر فرمان فتح پوری، «منتخب اشعار غالب» از پرفسور احمدعلی، «ذوق تماشای غالب» اثر وزیر آغا، «شخصیت فرهنگی غالب» اثر جیلانی کامران، «باغ دو در» مجموعه گردآوری شده وزیرالحسن عابدی، «مشکلات غالب» و «ترجمه نامه های فارسی باغ دو در» با حواشی و پیوست ها اثر پرتو روهیله، «بخشی از حیات غالب» اثر حسن اختر، «حقوق بازنشستگی خانوادگی و دیگر امور غالب» گردآوری شده توسط میان سعدالله، نذیر احمد و گوهر نوشاهی و «شکایت در مورد حقوق بازنشستگی غالب» اثر انیس ناگی کتاب هایی

هستند که جنبه‌های گوناگون فکری و شخصیتی غالب را تا حدودی مطرح و توجه ما را به سوی برخی امور مهم جلب می‌کنند. به طور مثال مقالات دکتر وحید قریشی با عنوان‌های «غالب و محیط پیرامون او» و «نظریه شعر غالب» بسیار ارزشمند هستند. در مقاله «غالب و محیط پیرامون او»، وحید قریشی کثرت الفاظ و ترکیباتی چون دید، دیده، عید نظاره، جلوه گل، دیده یعقوب، نگاه آفتاب، چشم حسود و بهار نظاره را به صورت تصاویر متحرک حیرت و حیرانی در آثار غالب، مورد بررسی قرار داده است. از نظر او، غالب حرکت و عمل زندگی را از دیدگاه بیدل می‌بیند، بدین سان تحریک تصاویر شعری وی، بی‌عملی زندگی خارجی اش را جبران می‌کند. اگر چه در پاکستان تالیف زندگی نامه‌ها، ترجمه‌ها، شرح احوال، تنقید و تحقیق و تدوین جنبه‌های مختلف زندگی غالب صورت گرفته و از این لحاظ این سرمایه یقینا بسیار ارزشمند است، اما هنوز زمینه‌های زیادی برای فعالیت و تحقیق در مورد غالب باقی مانده است.

از اهل علم پوشیده نیست که نقد متوازن و مستند زمانی انجام می‌شود که متون نثر و نظم ادیب یا شاعری با صحت تمام گردآوری و منتشر شود. متاسفانه آثار دو شاعر بزرگ ما غالب و اقبال، به استثنای چندی، هنوز در انتظار نگاه التفات آمیز مولفی قابل و با دید باز است. در این خصوص گردآوری دست نوشته‌های غالب یا حداقل نسخه‌های مستند انتشار یافته دوره وی ضروری است. اگر در لاهور موسسه‌ای به نام مرکز تحقیقات غالب دایر شود و نسخه‌های نایاب متعلق به غالب در هند و پاکستان که به طور مثال در دهلی، آگرا و رامپور و ملتان و غیره محفوظ است، به صورت اصل یا عکس به دست آمده و در آنجا نگهداری شود، دوره جدیدی از غالب‌شناسی آغاز خواهد شد. اگر به کمک این منابع، ادیبان بلند مرتبه و بالغ نظر صاحب ذوق و ادب، آثار غالب را مجدداً تدوین نمایند، گامی مهم در زمینه غالب‌شناسی برداشته می‌شود. در حال حاضر وضعیت بدین منوال است که نسخه مسروقه دیوان غالب را کسانی گردآوری می‌کنند که قاصر از تشخیص تفاوت بین شعر و نثر و ناآشنا با امور ابتدایی تالیف و تدوین اند. این درد بزرگی است. تالیفات قاضی عبدالودود و دکتر نذیر احمد تحت عنوان «قاطع برهان» و «نقد قاطع برهان» در هندوستان در زمینه غالب‌شناسی، آثاری ارزشمند و باعث فخر به شمار می‌روند. نسخه عرشی «دیوان غالب» نیز نمونه بی‌مثالی از تالیف و تدوین که هر چه از آن تعریف شود کم است. بررسی اشعار غالب از جنبه‌های انتقادی جدید نیز

زبان‌ها نداشته باشند، از مطالبی که در این زبان‌ها درباره غالب وجود دارد هیچ استفاده‌ای نخواهد شد. به همین خاطر ادعای غالب‌شناسی، ادعایی بی‌اساس می‌شود. در بین مردم ما انگیزه استفاده از ادبیات سایر کشورها وجود ندارد و چگونه پیدا شود وقتی ما به غیر از یکی دو زبان، زبان دیگری نمی‌دانیم. جای بسی افسوس است که در زبان ما کار ترجمه نیز از رونق افتاده است. ما چنان مغرور هستیم که فکر و هنر دنیا را به حساب نمی‌آوریم. این دردی بزرگ برای کشور ماست. هیچ ملتی به اندازه ما مغرور نیست» (مقدمه).

حتی اگر آگاهی از زبان‌های متعدد دنیا و استفاده از مطالب موجود در این زبان‌ها در مورد غالب را نوعی ایده آل گویی فرض نماییم، باز اینجا وضع به گونه‌ای است که مدعیان غالب‌شناسی کسانی هستند که غیر از اردو، زبان دیگری نمی‌دانند تا آنجا که حتی با اوزان و اسالیب شعر اردو نیز ناآشنا هستند. همان طور که می‌دانید، سه چهارم آثار غالب به زبان فارسی است. همین فارسی که او در نهایت مستی در مورد آن گفته است:

«کباب گرمی آتش بی دود پارسی ام و خراب تلخی باده پر زور معنی. آتشکده نواسیان عجم را سمندرم، سوز من هم از من پرس. گلزار نخل بندان پارس را بلبلم، شور من هم از من جوی... نفس در شراره کاشتن است و زبان در زیانه درودن در گرفتن... شگرف حالت آنت و ما اندرین هنگامه ایم» (۵)

همین زیبایی کلام نثر را در قالب شعر ریخته که خدوخال‌های آن بدین گونه است:

هیچ می‌دانی که غالب چون بسر بردم به دهر
من که طبع بلبل و شغل سمندر داشتم
بلبل یا سمندر، هر دو آتش مجسم اند، هر دو از گرمی آتش عشق زنده اند. یکی در میان شعله‌های سوزان حیات می‌یابد و دیگری آن هنگام که در بهاران، آتش گل‌های رنگین گلستان را گرما می‌بخشد، شور و ولوله درون خویش را به نمایش می‌گذارد.

حال این سؤال مطرح است که در مقابل نسل قدیم غالب‌شناسان پاکستان که در میان آنها افرادی چون ش. م. اکرام، خلیفه عبدالحکیم، حمید احمدخان، وحید قریشی، شوکت سبزواری، قدرت نقوی، آفتاب احمدخان، خلیل الرحمن داوودی، صوفی غلام مصطفی تبسم و مولانا حامد علی خان و دیگران، فارسی‌دانان بزرگی به شمار می‌رفتند، در بین غالب‌دوستان حاضر چند نفر آشنا به زبان و ادبیات فارسی و آگاه از نکات ظریف آن هستند؟ حالی در «یادگار غالب» تقریباً حدود صد و ده سال پیش وضعیتی از بیگانگی عمومی نسبت به زبان

□ از اهل علم پوشیده نیست که نقد متوازن و مستند زمانی انجام می‌شود که متون نثر و نظم ادیب یا شاعری با صحت تمام گردآوری و منتشر شود. متاسفانه آثار دو شاعر بزرگ ما غالب و اقبال، به استثنای چندی، هنوز در انتظار نگاه التفات آمیز مولفی قابل و با دید باز است.

ضروری است. در این رابطه شمس الرحمن فاروقی در هندوستان فعالیت ارزشمندی را آغاز کرده است. در مقاله «غالب، مقبول‌ترین شاعر عصر حاضر»، فاروقی در پرتو نشانه‌شناسی جدید (۲)، به تجزیه و تحلیل آثار غالب پرداخته و بیان داشته است که استعاره‌های غالب، جزو استعارات عالم نشانه‌شناسی اند، یعنی اینجا بعضی چیزها برابر برخی دیگرند اما نماینده آنها نیستند. این گفته فاروقی که «در مورد غالب مطالب بسیاری نوشته شده است اما حق مطلب زمانی ادا خواهد شد که تحقیق و مطالعه در مورد وی هم‌زمان در پرتو نظریات کلاسیک و نظریات جدید صورت گیرد» (جنبه‌هایی از غالب، ص ۲۷) کاملاً بجاست.

غالب‌شناس ممتاز و دانشمند نامور ادبیات فارسی هندوستان، دکتر نذیر احمد، در دیباچه «کتاب شناسی غالب» در رابطه با تناظر علمی موجود کشورش مطالبی بیان داشته که در مورد پاکستان هم صدق می‌کند. ببینید وی با چه غمی می‌گوید:

«غالب‌شناسی کاری بسیار مشکل است. برای این کار باید از هزاران کتاب استفاده نمود و این کتاب‌ها نه تنها به زبان‌های اردو، فارسی و انگلیسی، بلکه به اکثر زبان‌های دنیا هستند و تا زمانی که غالب‌شناسان کشور ما کوچک‌ترین آشنایی با این

فارسی را ذکر کرده بود که امروزه وضعیت نگران کننده‌ای را به وجود آورده است. اگر در پاکستان این وضعیت سلطه استعماری زبان انگلیسی ادامه یابد، از اشعار حکیمانه شاعران بی‌همتایی چون غالب و همراهی وی در تنهایی خویش بی بهره خواهیم ماند. بنابراین لازم است که از یک سو در مدارس، آموزش زبان فارسی رونق یابد و از سوی دیگر تمام آثار نظم و نثر فارسی غالب به زبان اردو ترجمه شود تا با مطالعه کلیه آثار وی، به درک معانی کلام و افکار او نائل شویم. در فصلنامه ادبیات اردو، چاپ دهلی، ترجمه اردوی غزلیات و قصاید فارسی غالب تحت عنوان «فارسی بین» توسط یونس جعفری و شریف حسین قاسمی به صورت بخش بخش منتشر می‌شود. این وضعیت برای غالب شناسان فارسی دان پاکستان جای بسی تأمل دارد. بدیهی است که «فارسی بین» نیز عنوانی برگرفته از کلام غالب است. او خطاب به استاد ابراهیم ذوق، با فخر و احساس بزرگی تمام، همه را به تماشای نقوش رنگارنگ شعر فارسی خویش دعوت می‌کند.

فارسی بین تا ببینی نقش‌های رنگ رنگ
بگذر از مجموعه اردو که بی رنگ من است

راست می گویم من و از راست سر نتوان کشید
آنچه در اشعار فخر توست آن ننگ من است (۶)

پس از مدت‌ها ظهیر احمد صدیقی از دانشگاه دهلی ترجمه خوبی از غزلیات و مثنویات فارسی غالب تحت عنوان «نقش‌های رنگ رنگ» با شرح و توضیحات منتشر کرده بود. به همین منوال ظ. انصاری مثنویات غالب را به اردوی روان ترجمه کرد که توسط انستیتوی غالب در دهلی نو انتشار یافت. در مورد غالب در زبان‌های غربی به خصوص انگلیسی کار زیادی صورت گرفته و بررسی این سرمایه کامل از دیدگاه انتقادی یک ضرورت به حساب می‌آید. موضوع این است که به موجب پیش زمینه‌های فرهنگی و زبانی متفاوت و به لحاظ سرشاری از احساس موسوم به برتری، بعضی از شرق شناسان از اوضاع فرهنگی ما اطلاع کافی ندارند، از این رو کار آنها نگاه انتقادی عمیقی می‌طلبد. به عنوان مثال، کتاب «رقص شررها» اثر آنه ماری شیمل در مورد غالب دوبار در هندوستان به چاپ رسید، اما این کتاب نیازمند تجدیدنظر است، چرا که بسیاری از ترجمه‌های اشعار فارسی غالب غلط و در برخی موارد بسیار تفسیر آمیز به نظر می‌آید. در بعضی موارد کاملاً مشخص است که خانم شیمل از اوزان شعری اردو و فارسی بی اطلاع است. بدین سان بررسی نوشته‌های تتالیه پریگارینا و باوزانی در مورد غالب نیز ضروری

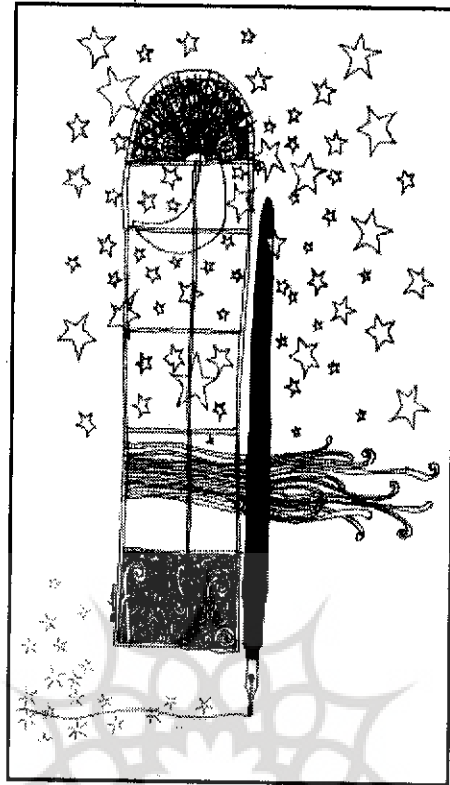
مورد غالب، مثلاً بررسی کتب تنقیدی و تألیفات محمدعلی فرجاد، محمدحسن حائری و محسن کیانی و غیره لازم است. کارهایی از این دست بسیار است. حقیقت این است که غالب برای ما تنها یک شاعر نیست، یک تمدن و تاریخ است. چنین شاعری که در شعر او بهترین عناصر تمدن شبه قاره و ایران وجود دارد، شاعری که رنگین کمانی از تنوعات عمیق و رنگارنگ نفس انسانی را مرتب می‌کند، طیب راسترین روح انسانی است و در پس منظر بیکرانی‌ها سؤالات عمیقی به وجود می‌آورد؛ سؤالاتی که در پی جواب آنها، تمدن‌ها بارور و هدف دار می‌شوند.

غالب گفته است:

هون گرمی نشاط تصور سی نغمه سنج

مین عندلیب گلشن ناآفریده هون (۷)

در این قرن انسان‌های معمولی که «شعار مسلک انسان‌های عادی» (۸) از هر طرف به گوش می‌رسد، وجود افرادی به عنوان بلبلان گلشن ناآفریده ضروری است تا ما را با معانی عشق و آگاهی و فکر و فرهنگ آشنا سازند. مرد آگاهی چون غالب، حامل این شعور بالیده است. آیا بستر تمدن دوران ما توان به دوش کشیدن بار افکار بالیده و نادر غالب را دارد؟ این سؤالی مهم در تناظر موجود امروز است.



بی‌نوشت:

۱- نطق به لب اعجاز شما صد ناز می‌کند

(مترجم)

۲- این مضامین از غیب به ذهن می‌رسند/ ای

غالب صریر خامه، نوای سروش غیبی است.

۳- این مصرع اردوی ظفر اقبال، شاعر جنید

پاکستان است. منظور نویسنده این است که مافانی

هستیم و نوشتن همین چیزهای مختصر از ما برمی‌آید.

۴- نشانه‌شناسی (semiotics) به بررسی نظام‌های

مختلف نشانه‌هایی می‌پردازد که مولد معانی مشترک و

سازنده فرهنگ‌های گوناگونند. برای توضیحات بیشتر

ر.ک.: فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر

حاضر، دکتر بهرام مقدادی، انتشارات فکر روز، چاپ

۱۳۷۸، صفحات ۵۱۶-۵۱۴

۵- ر.ک. به میخانه آرزو (محمدحسن حائری)، ص

۵۵-۵۶.

۶- A Dance of Sparks که از دهلی به چاپ رسید.

۷- من نغمه سراز گرمی نشاط تصور هستم/ من بلبلی

گلشن ناآفریده هستم.

8-The Cult of Ordinary Chap.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

است. دو شرق شناس فوق بیشتر از آنه ماری شیمل با زبان فارسی آشنایی دارند. این دو در برخی موارد برای درک غالب از فنون شعری استفاده کرده‌اند که برای تحسین آثار شعری مشرق زمین بسیار مفید واقع می‌شود. فضای موجود بین گفت و گوی تمدن‌ها متقاضی این امر است که نقطه اتصالی بین فنون شعری شرق و غرب به وجود آید و با به وجود آمدن مقیاس‌های ترکیبی جدید، شاعرانی چون غالب و سایر شعرای بزرگ شناخته شوند. به علاوه، تقابل نوشته‌های متحدالمعانی شعر فارسی و اردوی غالب نیز می‌تواند برای غالب شناسان موضوعی مفید و جدید باشد. تجزیه و تحلیل ترکیبات فارسی غالب نیز ضروری است تا مشخص شود که او در این ترکیب سازی چقدر تازه کار است و تا چه حد مرهون منت اساتید نامور فارسی است. علاوه بر فعالیت‌های صورت گرفته در ایران در